

زنجان از دیروز تا امروز

(تحلیلی تاریخی بر رشد کالبدی و پویای شهرنشینی در شهر زنجان)

محمد رضا پورمحمدی

استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز

محمد جواد حیدری

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه تبریز و نویسنده ی مسئول، m.heydari2008@yahoo.com

فاطمه لطفی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، Fateme.lotfi2008@yahoo.com

چکیده

شکل گیری و تحوّل شهرها در بستر زمان، ضرورت پژوهش های تاریخی را به عنوان یکی از ارکان طرح ریزی و برنامه ریزی شهری آشکار می سازد. در حقیقت اعتقاد به این که با نگاه به گذشته می توان چراغی فرا راه آینده ای روشن برداشت، مبین نقش خطیر مطالعات و بررسی های تاریخی در تهیه و اجرای طرحهای شهرسازانه است. شهر زنجان به عنوان یکی از کهن ترین شهرهای فلات ایران، به لحاظ مطالعات تاریخی مورد بی مهری محققین و مورّخین قرار گرفته است؛ حال آنکه رخنمایی تحولات تاریخی شهر در سیمای کنونی آن و نقشی که در اجرایی کردن طرح ها و برنامه های شهرسازانه دارد، بررسی های تاریخی شهر را ضروری می نماید. مقاله ی حاضر نیز تلاشی است هر چند کوتاه در این راستا.

واژگان کلیدی : شهر زنجان، شهرنشینی، رشد، کالبدی، تاریخی.

مقدمه

گامهای اولیه در نیل به شهرنشینی با افزایش جمعیت و سپس تشدید بهره برداری از محیط همراه بود. انقلاب شهری به اذعان اکثریت قریب به اتفاق مورّخین انقلابی عظیم در زندگی بشر بود که موجب ایجاد و گسترش شبکه ای از روابط اجتماعی گردید (مجید زاده، ۱۳۶۸، ص ۹). از آنجا که فضای امروز شهر پیوندی تنگاتنگ با تکامل و شکل پذیری آن در طی زمان دارد، لذا وظیفه ی جغرافیدان و بررسیهای جغرافیایی است که با شناخت کیفیت ساخت شهر و زندگی مردم در گذشته و حال روند تحولات آینده ی شهر را پیش بینی نموده و گزینه ترین طرح ممکن را ارائه نماید.

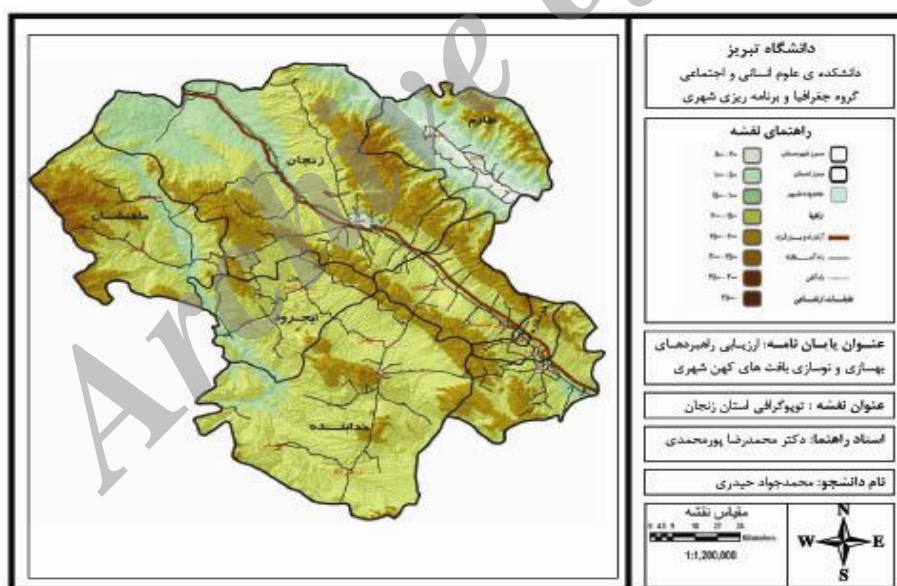
شهر زنجان یکی از شهرهای قدیمی فلات ایران است که دوره های مختلفی از تحولات تاریخی را در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود پشت سر گذاشته و دوره هایی از آبادانی و ویرانی را به خود دیده است. و به نظر می رسد که از دیر باز به دلیل قرار گیری در مسیر ارتباطی شرق به غرب به عنوان دروازه ی ارتباطی این دو بخش مطرح بوده و دارای ارزش و اهمیت بالایی بوده است. ولی با این حال به لحاظ بررسی های تاریخی مورد بی مهری محققین و مورّخین قرار گرفته است که شاید بتوان دلایل آن را در موارد زیر جستجو کرد: یکی از این عوامل تخریب کامل شهر در ایلغار مغولان و تاتارها بوده است. گو اینکه شهر مجدداً احیا شده و کاملاً از صحنه هستی پاک نگردیده است. ولی این نیز معقول می نماید که شهری که چند صباحی تخریب و تبدیل به مخروبه و بیغوله شده است، چه جاذبه ای برای مورّخ و سیّاح می توانسته داشته باشد تا زمینه ی تصنیف و تالیف رساله و کتابی در مورد آن را فراهم نماید. دوم اینکه زنجان در طول تاریخ طویل خود پایتخت هیچ حکومتی نبوده است تا به لطف آن مورد توجه مورّخین حکومتی قرار گیرد، جز اینکه در برهه ای از تاریخ (زمان ایلخانان) حومه ای کوچک از همسایه ی پایتختش (سلطانیه) بوده است و صد البته که شهری کوچک بر کرانه ی پایتختی بزرگ جاذبه ای برای معطوف کردن توجه مورّخان به خود را نداشته است. عامل سوم در انزوای تاریخی شهر زنجان، وضعیت خاص اقلیم و موقعیت اقتصادی و تجاری شهر بوده است. زیرا شهر زنجان علی رغم موقعیت چهارراهی و ممتازش، به دلیل اقلیم سرد و خشک و زمستانهای سخت و طولانی در طول تاریخ کمتر از مناطق مشابهی چون ری و قزوین مورد توجه و اقبال قرار گرفته است. از لحاظ صنعتی نیز گرچه شاردن - سیاح فرانسوی - از وجود صنعت گرانی در این شهر سخن می گوید که توسط امیر تیمور گورکانی به سمرقند

منتقل گردیدند، با این حال هیچ نشانه ای از رواج و توسعه صنایع در سده های اولیه و میانی باقی نمانده است (سلطانی، ۱۳۷۹، ص ۱۶). ولی از لحاظ بازرگانی می توان اذعان داشت که از دیر باز موقعیت چهار راهی شهر و قرار گیری بر سر جاده های تجاری غرب به شرق به آن موقعیت ممتازی می بخشیده است. مجموعه ی این عوامل و بسیاری از عوامل دیگر که شاید در برهه ای از تاریخ وجود داشته و گذشت زمان آنرا در زوایای تاریک تاریخ قرار داده است؛ موجب بی مهری تاریخ و مورخ نسبت به روشن ساختن جایگاه واقعی و تاریخی این شهر گردیده است. لذا در این مقاله سعی بر آن است تا با تحلیل تحولات کالبدی و پوشش شهرنشینی شهر در ادوار مختلف تاریخی آن، گوشه ای از زوایای تاریک تاریخ آن از لحاظ شهرسازی و شهرنشینی روشن شود.

فلسفه ی وجودی شهر زنجان

شهر زنجان با دارا بودن جمعیتی بیش از ۳۵۰ هزار نفر در زمره ی شهرهای میانی کشور و مرکز بلامنازع سیاسی و اقتصادی استان می باشد. این شهر در تاریخ طویل خود دوره های مختلف اوج و حضیض شهرسازی و شهرنشینی را به خود دیده است، ولی نبود منبع و نوشته مکتوب تاریخی مستقل در مورد زنجان مانع از آن شده است که بتوان زمان و علل ایجاد شهر را به قطع و یقین تعیین کرد. با این حال آنچه مسلم می نماید این است که به استناد متون کتیبه های آشوری منطقه ای که شهر زنجان در آن واقع شده در قرن نهم قبل از میلاد آندیا نام داشته و به احتمال زیاد اقوام ساکن در آن با اقوام لولوبیان و گوتیان مستقر در زاگرس ارتباط داشته اند. در حدود قرن هفتم قبل از میلاد که سیستم حکومتی ماد بنیانگذاری شد؛ نیمه ی غربی استان زنجان - از حدود ابهر - در حوزه استحفاظی ماد آتروپاتن قرار داشته و نیمه ی شرقی آن زیر نفوذ ماد سفلی بوده است (ثبوتی، ب، ۱۳۷۷، ص ۲۴). با استناد به قول کلاویخو - مبنی بر اینکه «داریوش سوم سپاه خود را از این شهر برای مقابله با اسکندر بیرون آورد» - و آثار مکشوفه از برخی از قبور یک قبرستان تاریخی در منطقه ی قره پشتلو - واقع در بخش مرکزی زنجان - که شامل گردنبندهای طلایی با موتیف گل لوتوس بوده که از موتیف های مشخص دوران هخامنشی و قابل مقایسه با نقوش حجاری های تخت جمشید می باشد، می توان به ادعای کلاویخو مبنی بر اینکه زنجان پایتخت داریوش هخامنشی بوده اعتقاد پیدا کرد. گرچه تا کنون این ادعا سندیت و اعتبار تاریخی نیافته است. آنچه

در میان نظرات ارائه شده، اتفاق نظر مورّخین را به همراه داشته، ادعای حمدالله مستوفی - نویسنده ی کتاب نزهه القلوب - است که بنای زنجان را به اردشیر بابکان - از پادشاهان ساسانی - نسبت می دهد (قشمی، ۱۳۸۲، ص ۶). اگر این انتساب صحیح باشد؛ علت وجودی زنجان خواست و تصمیم شخصی شاه ساسانی بوده است. بطور کلی آنچه از کتب و نگاهشته های تاریخی برمی آید و استنباط عقلانی بر آن صحّه می گذارد این است که مجموعه عوامل زیر در ضرورت ایجاد و تداوم حیات زنجان تا امروز نقش داشته است: ۱- ضرورت وجود زنجان به عنوان منزلگاه سکونت؛ ۲- دسترسی به رودخانه(زنجان رود) و منبع آب مطمئن؛ ۳- تاثیر ناهمواری منطقه در نفوذ پذیری شهر؛ ۴- عوامل مذهبی و گرایشهای دینی (علیزاده، ۱۳۸۳، ص ۱۳۲)؛ ۵- عبور راه ارتباطی فلات مرکزی ایران به آذربایجان از منطقه؛ ۶- حاکم بودن شرایط مناسب اوضاع توپوگرافی؛ ۷- وجود اراضی مسطح با شیب کمتر از ۵ درصد(ثبوتی، الف، ۱۳۷۷، ص ۹۸)؛ ۸- خواست و اراده ی شخصی شاه (اردشیر بابکان)؛ ۹- ضرورت وجود زنجان با نقش مکان مرکزی در نتیجه تراکم دهات؛ ۱۰- وجود سفره های آب زیرزمینی؛ ۱۱- نقش اراضی حاصلخیز دشت زنجان و همجواری آن با رودخانه.



شکل شماره ۱- نقشه موقعیت توپوگرافی شهر زنجان(منبع: حیدری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۲)

وجه تسمیه ی زنجان

همانگونه که ولادیمیر مینورسکی - در مقاله ی « زنجان دائرة المعارف اسلام» - متذکر شده، منابع قدیمی در مورد تاریخ زنجان هیچ ندارند(سلطانی، ۱۳۷۹، ص ۳۰) و تنها منبع محققین در این مورد اشارتهای

مختصر و گذرایی است که در کتب مختلف پیشینیان و سفرنامه ها یافت می شود که گاه صحت مطالب آنها نیز دور از شک نمی نماید.

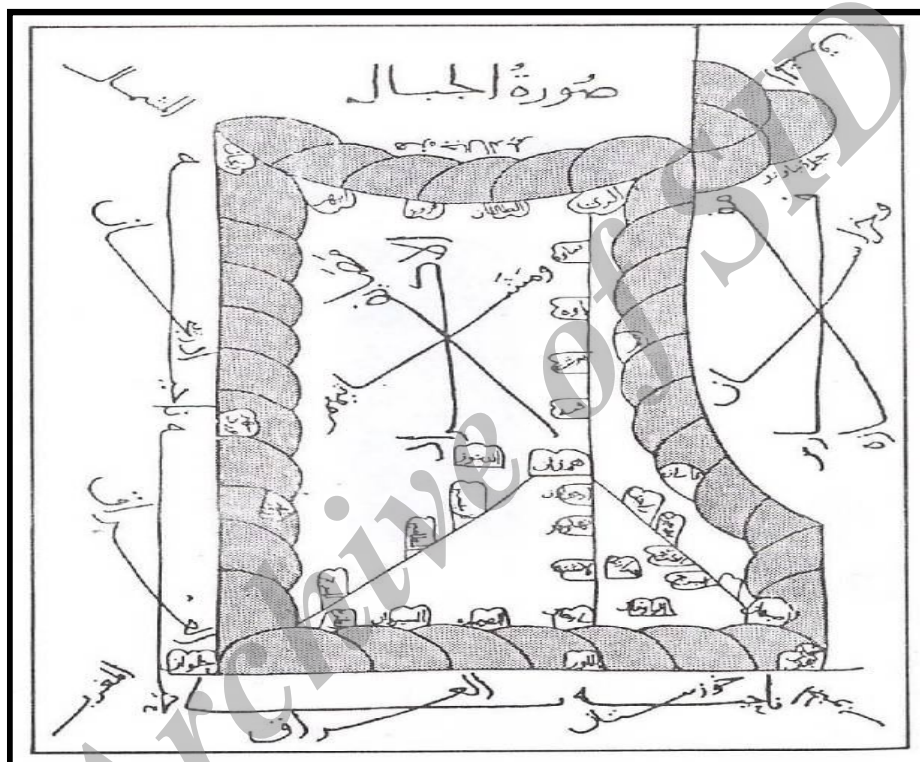
شاید کتاب البلدان ابن واضح یعقوبی (متوفی ۲۷۳ق) قدیمی ترین نوشته ی تاریخی باشد که از زنجان به عنوان شهری در مسیر جاده ی دینور به تبریز یاد کرده است. نویسندگان بعدی نیز به کرات از این شهر نام برده اند، ولی همه ی آنها فاقد نکته ی جدید و بدیعی بوده و نمی توانند پایه ای بر مطالعات شهرسازی و شهرنشینی شهر قرار گیرند.

تنها مورخ و جغرافیدانی که به تفصیل از زنجان سخن رانده، حمدالله مستوفی - مورخ و جغرافیدان سده ی هشتم - نویسنده ی کتاب نزهة القلوب است که ذیل مدخل زنجان می نویسد: « زنجان از اقلیم چهارم است، طولش از جزایر خالذات (فم) و عرض از خط استوا (لول)، اردشیر بابکان ساخت و شهین خواندش، دور و باروش هزار گام است (مستوفی، ۱۳۶۶، ص ۶۷)». نویسنده ای نیز با تکیه بر همین گفته ی مستوفی و قرآینی دیگر چون نام سایان (روستایی در نزدیکی شهر کنونی زنجان)، نام اصلی آن (شهر زنجان) را سئین، شئین، شاهین و شهین حدس زده و آنرا به عنوان شهر عقاب معرفی کرده است (سلطانی، ۱۳۷۹، ص ۳۱). در فرهنگ نامه دهخدا نیز ذیل کلمه شاهین چنین تقریر یافته، شهین نام شهر زنگان است و معرب آن زنجان می باشد. گویند آنرا اردشیر بابکان بنا کرده است. شهری بود بزرگ در میان ری و آذربایجان و وجه تسمیه ی آن مخفف زندیگان است و زندیگان زنگان شده و دال آن حذف شده است. بطور حتم شهر در دوره ساسانی زندیگان نام داشته که به علت کثرت استعمال تخفیف یافته و در دوران استیلای اسلام زنگان نام داشته است و چون در زبان عربی حرف «گ» به «ج» تبدیل می گردد، بنابراین کلمه زنگان به زنجان تبدیل شده است (ثبوتی، الف، ۱۳۷۷، ص ۲۴).

تحولات کالبدی و پویا شهرنشینی شهر زنجان در ادوار تاریخی

آن چنان که از اشارتهای مختصر منابع تاریخی برمی آید؛ شهر زنجان هم سنگ با شهرهای شناخته شده ی قدیمی ایران دارای قدمت تاریخی طولی می باشد. « بطوری که برخی از منابع تاریخی زنجان را به عنوان پایتخت داریوش سوم (هخامنشی) دانسته و معتقدند که وی از این شهر به جنگ اسکندر مقدونی رفته است (مشکینی، ۱۳۷۰، ص ۳۵)». این نظر و نظراتی مشابه آن گرچه هنوز به وسیله منابع تاریخی قطعیت

نیافته اند، ولی می توانند گواهی بر تاریخ طویل شهر باشند. گرچه در لابلائی سطور کتب تاریخی - همچون المسالک و الممالک ابن خرداد به و اصطخری، حدود العالم من المشرق الی المغرب، معجم البلدان یاقوت حموی، تاریخ اسلام عزالدین علی بن اثیر و نزهة القلوب حمدالله مستوفی - و سفرنامه ها - یی چون کلاویخو، فرد ریچاردز، تاورنیه، شاردن، حاج زین العابدین شیروانی، سولتیکف، ادوارد براون، مارسل و مادام دیولافوا- به نام زنجان نیز بر می خوریم، ولی این گونه اشارتها آنقدر کلی هستند که نمی توانند جهت تحلیل های شهرنشینی و شهرسازی تاریخی شهر مورد استفاده قرار گیرند.

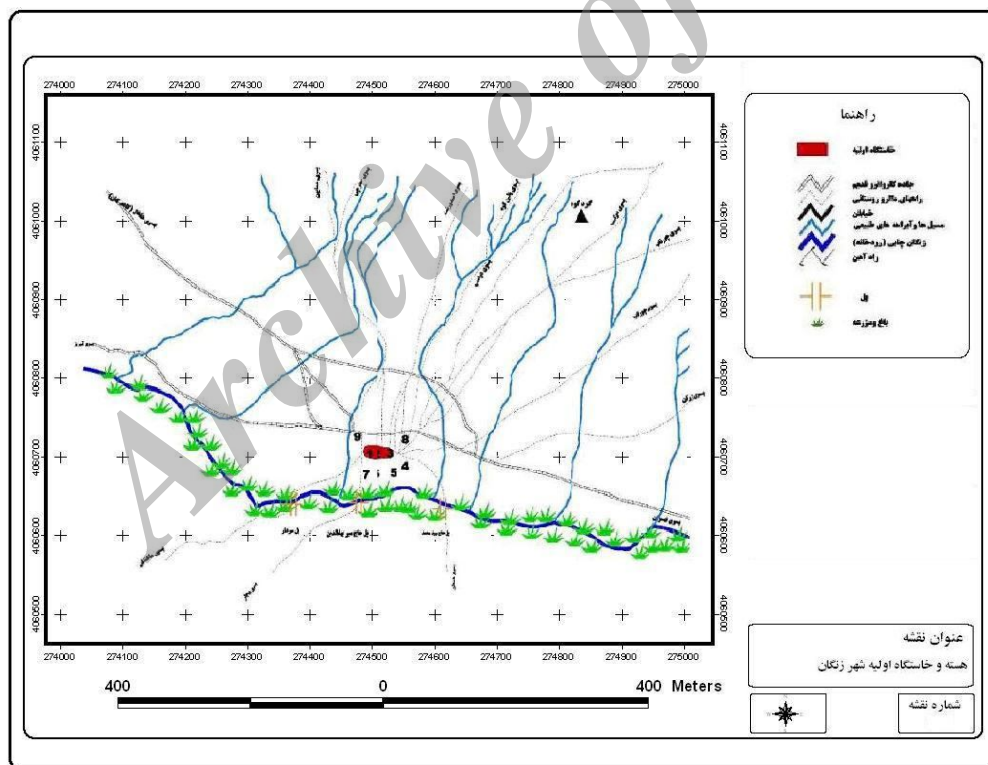


شکل شماره ۲- نقشه تاریخی جبال از ابن حوقل وموقعیت شهر زنجان در آن(منبع: حبیبی، پور احمد و مشکینی، ۱۳۸۷، ص ۳۲)

« قلت منابع تاریخی مطالعاتی به لحاظ گسترش شهر فعلی که منطبق بر شهر تاریخی است، عرصه ی مطالعات را در حدّ فاصل اوایل هزاره ی اول قبل از میلاد تا اوایل دوران ساسانی (اواخر قرن دوم میلادی) تنگتر می نماید. بدین سبب سرنوشت شهر در مقاطع زمانی مزبور با مدارک فعلی نسبتاً نامعلوم است(ثبوتی، الف، ۱۳۷۷، ص ۹۷)». لذا در مطالعه ی شهر تا دوره مزبور تنها اشارتهای کلی و گذرای منابع تاریخی و آثار مکشوفه ی تاریخی، روشنگر گذشته ی تاریخی تاریک شهر خواهد بود.

از پیدایش هسته ی اولیه ی شهری تا اوایل حکومت سلجوقی

عده ای از مورخین شکل گیری هسته ی اولیه ی شهر را به دوره ی ماد نسبت داده و معتقدند ناحیه ای که زنجان در آن قرار گرفته، زیر نفوذ ماد آتروپاتن قرار داشته است و این شهر از جانب ایشان به عنوان مرکز و محل اسکان لشکر مورد استفاده قرار می گرفته است. از سوی دیگر وجود شواهد و مدارکی همچون پیدایش نوعی سفال خاکستری رنگ - که شاخص اقوام آریایی می باشد - و وجود محوطه های تاریخی در گاوازنگ، قره تپه، منجوق تپه (در فواصل ۴، ۶، ۱۰ کیلومتری شهر فعلی)، انتخاب محل کنونی زنجان را به عنوان نشستگاه اقوام آریایی در اواخر هزاره ی دوم قبل از میلاد را تایید می نماید. استقرار مزبور در ساحل چپ مسیلی که بعدها به خندق حفاظتی شهر تبدیل شده، تکوین یافته است. حدود استقرار شهر در این دوره، در حد شرقی به مسیل - که مانعی طبیعی در جهت گسترش شهر محسوب می شد-، در حد جنوبی به خیابان امام فعلی، در حد غربی به دروازه رشت فعلی و در حد شمالی احتمالاً با ارتفاعات شمالی شهر محدود می شده است (ثبوتی، الف، ۱۳۷۷، ص ۹۷).



شکل شماره ۳- نقشه هسته و خاستگاه اولیه شهر زنجان در ارتباط با محیط پیرامون (منبع: لطفی، ۱۳۸۷، ص ۹۸)

با توجه به حاصلخیزی منطقه ی زنجان و نیز موقعیت نظامی آن و اینکه جنگهای طولانی اشکانیان و ساسانیان با دولت روم بر سر ارمنستان موجب توجه خاص حکومت های وقت به شهر زنجان - به دلیل قرار گیری بر مسیر آذربایجان و موقعیت پشت جبهه ای آن - گردید.

انحصار تجارت ابریشم توسط حکومت ساسانی و نیز توجه خاص ساسانیان به شهرها به عنوان مرکز مبادلات تجاری و در این میان موقعیت ممتاز چهارراهی زنجان، آن را به شهری با اهمیت و مورد توجه حکومت ساسانی تبدیل نمود. این نظر زمانی رنگ واقعیت می گیرد که در دوره های بعد منابع تاریخی خبر از آبادانی و وفور نعمت در زنجان می دهند. یعقوبی اشاره می کند که در زمان خسرو اول سراسر ایران به چهار بخش خراسان، خورباران، نیم روز و آذربایگان تقسیم می شد؛ که در این تقسیم بندی زنجان جزء پانزده شهرستانی بود که با هم بخش آذربایگان را تشکیل می دادند (مشکینی، ۱۳۷۰، ص ۳۵). گرچه این گونه اظهار نظرها از بیان دقیق و کمی میزان جمعیت شهرنشین شهر عاجزند، ولی استنباط عقلانی - که یکی از مراجع دریافت واقعیت های تاریخی از اشارات تاریخی است - حکم به اهمیت بالای شهر زنجان در این دوره و نرخ بالای جمعیت شهرنشین به دلیل توجه خاص حکومت های وقت و رونق تجارت در سایه امنیت ناشی از حکومت مقتدر پدرسالارانه دارد. زنجان در جریان حمله ی اعراب مسلمان به ایران توسط براء بن عازب فتح شد و از جمله ی شهرهایی بود که مشمول حکم مفتوح العنوه گردید. اسکان ایلات پنجگانه ی شاهسون، اصانلو، مقدم، بیات و خدابنده لو در منطقه ی زنجان به جهت وجود اراضی مستعد و لزوم مرکزی برتر جهت مراودات اقتصادی و جاذبه های محیطی شهر قدیمی باعث شد، شهر منطبق بر خرابه های قدیمی بازسازی و گسترش یابد. طوری که استخری در کتاب المسالک و الممالک در مورد زنجان این دوره چنین می نگارد که « زنجان و ابهر دو شهر کوچک و پیر نعمتی هستند، که دارای آب فراوان و درختان زیاد و مزارع وسیع هستند و زنجان از ابهر بزرگتر است (مکملی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸)».

نگاشته های متون تاریخی حکایت از آن دارد که زنجان این دوره شهری بوده متوسط، که دورانی از شکوفایی و ناملایمات را به اقتضای شرایط تاریخی تجربه کرده است. ولی استنباط کلی این است که در این دوره چون تا فرسنگها در جهات چهارگانه شهری معتبر و مهمی قرار نداشته، در نتیجه زنجان باید شهری معتبر و بزرگ بوده باشد. با این حال هنوز فقر اطلاعاتی میزان و رقم جمعیت شهرنشین تحقیقات تاریخی شهر را آزار می دهد.

در قرون سوم و چهارم که هر بخش از سرزمین ایران در دست خاندان و حکومتی محلی قرار داشت، زنجان نیز همچون سایر شهرهای کشور توسط این حکومتها دست به دست می شد و هر روز مجبور به تحمل صدای چکمه های نظامیان یکی از این حکومتها در خیابان های شهر بوده است. صدایی که آهنگ گوش خراش افول اقتصاد و شهرنشینی شهر را می نواخت. بطور کلی زنجان در طی این دو قرن شاهد بیرق حکومتهای زیر بر دروازه هایش بوده است: حاکم مستقل آذربایجان و ارمنستان با حمله به شهرهای ری، زنجان، قزوین، ابهر در سال ۳۰۴ هجری، شهر را برای چند صباحی از دست سامانیان خارج کرد. در سال ۳۱۶ سایه ی بیرق زندیها بر شهر سنگینی می کرد. در دوره ی آل بویه زنجان همراه با همدان و قزوین و بنا به دستور عضدالدوله تحت فرمان فرزندش فخرالدوله علی درآمد. در دوره ی آل زیار زنجان جزء اقطاع مرداویج بوده و مورد توجه و اهمیت بسیار وی بوده است. اشارات کلی بالا که در لابلاهی سطور کتب تاریخی مستور است؛ گرچه هیچ نشانی از میزان جمعیت شهرنشین و رشد و تکوین کالبدی شهر در خود ندارد، ولی با این حال می توان به تاریخ پر آشوب شهر پی برد و اینکه تعویض مرتب حکومتها نمی توانسته فرصتی برای رسیدگی و توجه آنها به عمران و آبادانی شهرها فراهم نماید.

زنجان در دوره ی حکومت ترکان

آگاهی ما درباره حیات تاریخی زنجان عصر غزنوی تنها محدود به این گفته ی اشیپولر است که « محمود غزنوی در سال ۴۲۰ ه. ق پسر خود مسعود را برای فتح زنجان روانه ساخت (مکملی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹) ». در دوره ی سلجوقیان حکومت زنجان همراه با سایر شهرها و آبادیهای عراق عجم به مغیث الدین محمود سلجوقی واگذار شد. با انشعاب و تشکیل سلسله ی سلاجقه ی غرب ایران به مرکزیت همدان توسط فرزندان مغیث الدین محمود، زنجان نیز از جمله ی شهرهایی بود که در درون این قلمرو قرار داشته و توسط آنان اداره می شد. حمایت شمس الدین ایلدگز - حاکم محلی آذربایجان - از معزالدین ارسلان در سال ۵۵۶ ه. ق موجب شد که وی با بدست آوردن حکومت زنجان، اساس حکومت سلاجقه ی ایلدگز آذربایجان را بنیان گذارد (خالقی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۸۶). بنظر می رسد زنجان دوره ی سلجوقی از اعتبار و شهرت بیشتری برخوردار بوده است؛ زیرا مهمترین مرحله ی شهرسازی و شهرنشینی در ایران از قرون میانی و با روی کار آمدن سلجوقیان آغاز می شود و آرامش سیاسی و رونق اقتصادی ناشی از اقتدار حکومت سلجوقی زمینه ساز یکی از استوارترین دوره های حیات شهری شده بود و نیز آرامش برخواسته

از اقتدار حکومت - سلجوقی - بر امنیت راههای تجاری و به تبع آن بر رونق تجارت افزوده بود. در نتیجه شاهراه تجاری غرب به شرق و مرکز ایران که در بخشی از مسیر خود از زنجان می گذشت. موجب رونق تجارت و شکوفایی بازرگانی در این شهر شده بود، همین رونق تجاری و عبور کاروانهای تجاری از این شهر و نیز آرامش سیاسی ناشی از حکومت مقتدر مرکزی کافی است تا بپذیریم زنجان این دوره شهری بزرگ و آباد بوده و بیشینه ترین جمعیت شهری را تا این دوره داشته است. ضعف سلجوقیان در واپسین سالهای حکومت آن موجب شد، که تکش خوارزمشاه از ضعف و منازعات سلاطین سلجوقی استفاده کرده و در نتیجه سلاجقه ایلدگز آذربایجان و غرب ایران را به زیر سلطه ی خود در آورد. بعد از بازگشت تکش میان فرمانروای او و نورالدین گوگجه - که توسط ایلدگزیهای سلجوقی به فرمانروایی زنجان انتخاب شده بود- جنگی صورت گرفت، که در جریان آن گوگجه کشته شد و حکومت زنجان برای مدت ۵ سال بدست ایدغمش - خوارزمشاه- افتاد. در این دوره و عمدتاً از آخرین روزهای حکمرانی سلاجقه در زنجان، ظلم و ستم به مردم و آشفتگی اوضاع موجب ضعف و زوال اقتصاد تجاری شهر شد و شهرنشینی را دچار رکود نسبی کرد، تا در دوره ی بعد حملات ویرانگر مغولان و تیموریان رمق از اقتصاد فلج شهر برگردد و آن را به ویرانه تبدیل نماید.

زنجان در عصر ایلغار مغولان و تیموریان

زنجان نیز به سان اکثر شهرهای کشور از ایلغار مغولان در امان نماند و در پاییز سال ۶۱۸ ه.ق سپاه سی هزار نفری چنگیز که در پی سلطان محمد خوارزمشاه بود؛ وارد زنجان شده^۱ و شهر را تخریب کردند. « ولی از قراین تاریخی چنین برمی آید که منظور از تخریب در این مرحله از حمله ی مغول، تنها تخریب قلعه و باروی شهر بوده تا سلطان خوارزمشاه نتواند جهت مقاومت به شهر عقب نشینی کند؛ طوری که حمدالله مستوفی باروی ترمیم شده شهر را در زمان مغولان دیده و دور آن را اندازه کرده و در این باره می نویسد: « دور بارویش هزار گام است، در فترت مغول خراب شد (مستوفی، ۱۳۶۶، ص ۶۷)». بطور کلی عواملی چون شدت خسارتهای وارده به شهر در دفعات دوم و سوم حمله ی مغولان، انتخاب سلطانیه^۲ به

(۱) سلطان محمد خوارزمشاه در جریان گریز از تعقیب مغولان چند صباحی را در « قلعه سر جهان» در نزدیکی زنجان مخفی شده بود که قبل از ورود سپاه چنگیز به زنجان از این شهر گریخته بود و مغولان بخاطر انتقام و کینه جویی از وی شهر را تخریب و دیوارهای آن را با خاک یکسان کردند تا نتواند دوباره برای اختفا به این شهر باز گردد

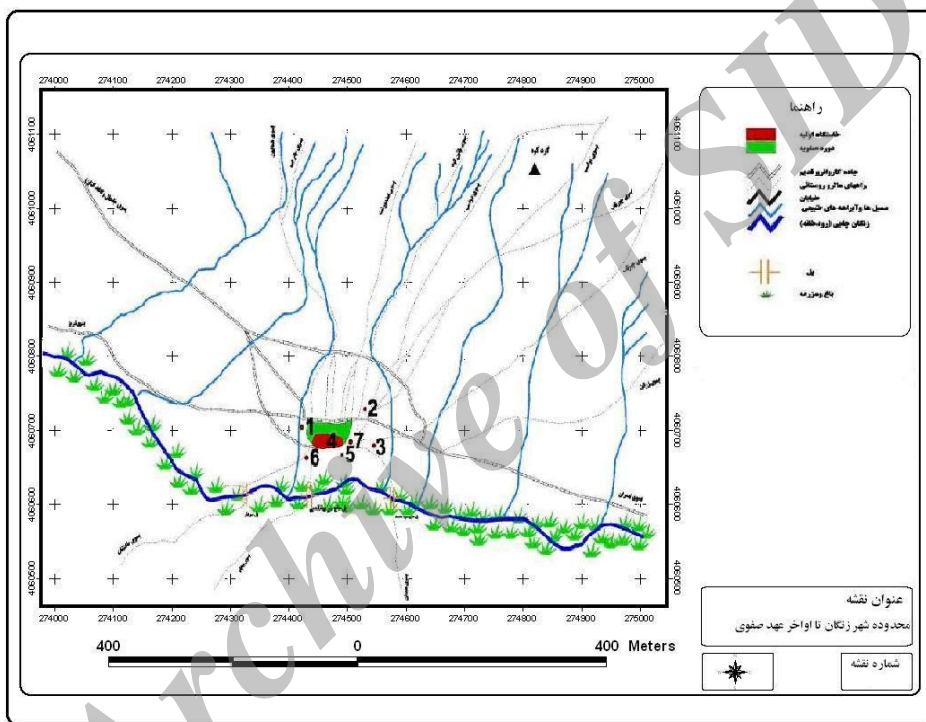
(۲) شهری در ۳۸ کیلومتری شرق شهر زنجان.

پایتختی در زمان الجایتو، وضع مالیاتهای سنگین بر کسبه، تجار و کشاورزان بخصوص قوانینی چون طرح و تمغا و نیز تصمیمات شخصی، خودسرانه و اغلب نامعقول خان مغول، موجب ویرانی شهرها، نابودی شهرسازی و آوارگی شهرنشینان به روستاها گردید. در شرایطی که شهر بعد از مرگ ابوسعید- آخرین پادشاه ایلخانی- و از رونق افتادن سلطانیه- بعد از مرگ الجایتو-، مترصد رونقی دوباره بود، حمله ی ویرانگر تیمور- حدود ۷۸۶ ه.ق- به سلطانیه و نواحی پیرامونی آن، موجب ویرانی کامل شهر- زنجان- و از رونق افتادن شهرنشینی گردید. بطوریکه کلاویخو در این باره می نویسد: «بیشتر قسمتهای این شهر غیر مسکون است ... گویند در گذشته یکی از بزرگترین شهرهای ایران بوده است ... ما دیدیم که حصار شهر دیگر قابل تعمیر نیست، اما در داخل شهر هنوز خانه ها و مساجد بسیاری همچنان استوار و پابرجا بودند و در خیابانهای آن نه‌هایی می گذشت، اما همه آنها اینک خشک و بی آب هستند (کلاویخو، ۱۳۶۶، ص ۱۶۷). با این حال ژان شاردن سیاح فرانسوی که در سال ۱۶۷۲ میلادی از زنجان دیدن کرده، می نویسد: تیمور نخستین بار که از زنجان عبور می کرده، سرتاسر شهر را ویران کرد، ولی در بار دوم یعنی هنگام مراجعت از ترکیه پس از اطلاع از گذشته ی درخشان فرهنگی آن، یک قسمت از شهر را مجدداً آباد کرد. در دوره ی شاهرخ (پسر و جانشین تیمور) به دلیل توجه او به برقراری امنیت و آرامش و پرهیز از سیاست جنگ طلبانه ی پدر، شهر مجدداً آهنگ رشد و شکوفایی کرد، طوریکه که در توسعه های بعدی حصار ی به ارتفاع ۸ تا ۱۰ متر، با دروازه های متعدد به دور آن کشیده شد که از معروفترین دروازه های آن دروازه تبریز در غرب و دروازه رشت در شمال بوده است.

زنجان از طلوع صفویه تا غروب زندیه

شهر زنجان نیز بسان سایر شهرهای کشور آرامش و امنیت دوره ی صفوی را برای بازسازی و توسعه ی خود مغتنم شمرد. مطالعه ی آثار تاریخی شهر حکایت از آن دارد، که علی رغم قدمت چندین هزار ساله ی آن، کلیه ی آثار تاریخی بر جای مانده از گذشته ی شهر عمدتاً در این دوره و دوره های بعد شکل گرفته است؛ که دلیل عمده ی آن تخریب شهر به دفعات مکرر در ادوار مختلف تاریخی می باشد. در حقیقت توان گفت که شهر فعلی از دوره ی صفویه تکوین و توسعه یافته است، زیرا رونق تجاری که در سایه ی امنیت بر خاسته از حکومت مقتدر مرکزی حاصل شده بود؛ به شهر فرصت ایفای نقش منزلگاهی

را داد. همچنین در این دوره اقدامات عمرانی مفیدی چون احداث جاده ی سنگی و کاروانسرای شاه عباسی در شهر صورت گرفت که می توان ناشی از گسترش تجارت مخصوصا تجارت ابریشم و نیز جنگهای پی در پی و طویل المدت دولت با امپراتوری عثمانی دانست. در این دوره رشد شهر به سمت جنوب (به طرف رودخانه ی زنجان چای) بوده است. شکل گیری کوچه های تنگ (با عرض حداکثر ۴ و حداقل ۲ متر)، پیچ در پیچ و با زاویه ی حاده در بازسازی و نوسازی شهر در این دوره، حکایت از تاثیر وحشت ساکنین از یورش مجدد دشمن به خانه و کاشانه ی شان دارد. چرا که چنین فضایی فرصت حمله ی گسترده را از دشمن سلب کرده و امکان مقابله و سرکوب آنها را فراهم می نماید.



شکل شماره ۴- نقشه محدوده ی شهر در اواخر دوره ی صفویه (منبع: لطفی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱)

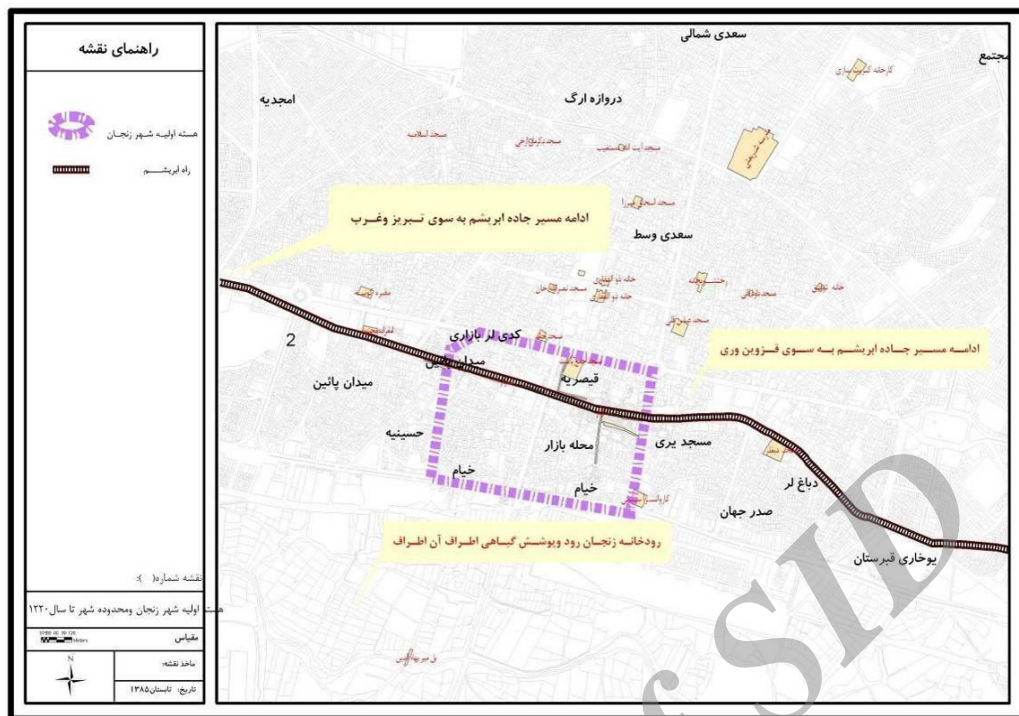
دوران کوتاه و سراسر جنگ حکومت نادر، مانع از توجه وی به امور شهرها و روستاها شد. حتی اقدامات عادل شاه نیز در دوران کوتاه حکومتش، تاثیر قابل توجهی در پی نداشت. زنجان عصر زندیه را بنا به دلایلی چون گسترش روابط بازرگانی ایران با کشورهای اروپایی، از رونق افتادن روز افزون سلطانیه، توانهای محیطی منطقه و رشد عناصر شهری چون محله بندی، مساجد، ارگ و کهنه‌ژ باید مصادف با رشد شهر پیرامون خاستگاه اولیه ی آن دانست. گرچه در مکتوبات مستشرقین غربی - که در این دوره از زنجان دیدن کرده اند- نامی از بازار به میان نیامده، ولی به احتمال زیاد بازار این دوره شامل قسمتهایی از

جنوب بازار فعلی بوده که در مسیر جاده تهران - تبریز تکوین یافته بود. وسعت شهر در این دوره به حدود ۳۰ هکتار رسید که شامل محلات فعلی حسینیه، نایب آقا در اشاقی باش و سقّالر و دمیرچی لر در یوخاری باش می شد. مهمترین تحولات کالبدی شهر در این دوره ایجاد حصار، قلعه و خندق در اطراف شهر و توسعه کالبدی شهر به طرف شمال (به دلیل محدودیت های توسعه ی شهر در جنوب آن)، رشد آرام زیر ساختهای شهری همچون قنوات و کانالهای آبیاری، تفکیک سنتی کاربری های شهری بوده است. وجود شش دروازه به نام های، رشت، قزوین، همدان، دولت، قلتوق و تبریز حکایت از ناامنی و ماهیت تدافعی شهر دارد. شاردن سیاح دیگر فرانسوی زنجان عصر زند را بلده ای کوچکی در امتداد خطی سبز ... و آب و هوای مطبوع معرفی نموده که بیش از دو هزار خانه باغچه ندارد. حاکم شهر در این دوره ذوالفقارخان افشار بود.

زنجان در عصر قاجار

روی کار آمدن حکومت قاجار که مقارن با انقلابها و اصلاحات عصر جدید اروپا و تشکیل دول قدرتمندی در آن قاره بود، سر آغاز تحوّل عظیم در سازمان داخلی و روابط خارجی کشور گردید. زیرا حضور مستقیم و غیر مستقیم دول قدرتمند اروپایی مانع از تشکیل دولت قدرتمند مرکزی و سازمان تولیدی بر مبنای وحدت اجتماعی کار بود (حبیبی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲). ایران این عصر به مکانی سوق الجیشی در مقیاس جهانی و فضای رقابت دول اروپایی تبدیل گردید. بعلاوه عواملی چون شورش خوانین محلی، جنگهای ایران و روس، جنگ هرات و ضعف شدید بنیه اقتصادی کشور نسبت به دوره های قبل، اوضاع کشور را در این دوره آسفتگیها و ناپایداریها کرده و زمینه ی وابستگی به دول اروپایی را در نتیجه ی در یوزگی حکام کشور فراهم ساخته بود. ناحیه ی زنجان در عصر قاجار به دلیل وجود پنج بلوک^۱ در آن خمسه نامیده می شد. هر چند حدود و وسعت ناحیه ی فوق در ابتدای کار قجرها چندان مشخص و معلوم نبود، اما اطلاق نام خمسه برای این ناحیه اسمی با مسمی و پرمفهوم بوده که حدود و وسعت ناحیه را نشان می دهد.

(۱) خرارود، اهررود، سچاس رود، ایجرو، زنجان رود.



شکل شماره ۵- نقشه محدوده ی شهر زنجان در اوایل دوره ی قاجار (منبع: حبیبی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵)

زنجان عصر آقا محمدخان، با توسعه ی نسبی در حد قلعه فعلی، مجموعه ی بازار را به عنوان قلب اقتصادی شهر بوجود آورده بود. در این دوره شهر به سه محله بزرگ تقسیم می شد: « نخست منطقه ی مرکزی شهر بود که با جای دادن به مراکز حکومتی، اداری و مذهبی موجودیت می یافت، دوم اراضی و محدثات واقع در شرق محدوده ی مرکزی در مجموعه ی بازار که تحت عنوان یوخاری باش مشخص می شد که محل سکونت اقشار مرفه شهر بود و سوم اراضی و محدثات واقع در غرب محدوده ی مرکزی که به نام اشاقی باش معروف بود و محل سکونت اقشار مادون اقتصادی شهر بود (ثبوتی، الف، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴)». در دوره ی فتحعلی شاه وقوع جنگهای ایران و روس و نقش تدارکاتی و پشت جبهه ای شهر آن را محفل رفت و آمد سران حکومت کرد. با رشد کالبدی شهر در این دوره، باروی جدیدی بر دور شهر تنیده شد؛ تا دربرگیرنده ی محلات تازه ای- چون مسگرها، مشهدی صفر، عباسقلی خان در شرق و شمال شرق، دروازه ارک و سرچشمه در شمال، نصرا... خان و سیدلر در آشاقی باش و حسینیه و سقالر در غرب و جنوب غربی- که با رشد کالبدی آن بوجود آمده بود شود. حد شهر در این دوره از طرف شمال به کوچه ها و محلات پیرامون خیابان امام، از طرف شرق به کاروانسرا سنگی، از طرف غرب به توپ آغاجی و از طرف جنوب به خیابان فعلی خیام محدود می شد. در این دوره شهر دارای شش دروازه با نامهای دروازه

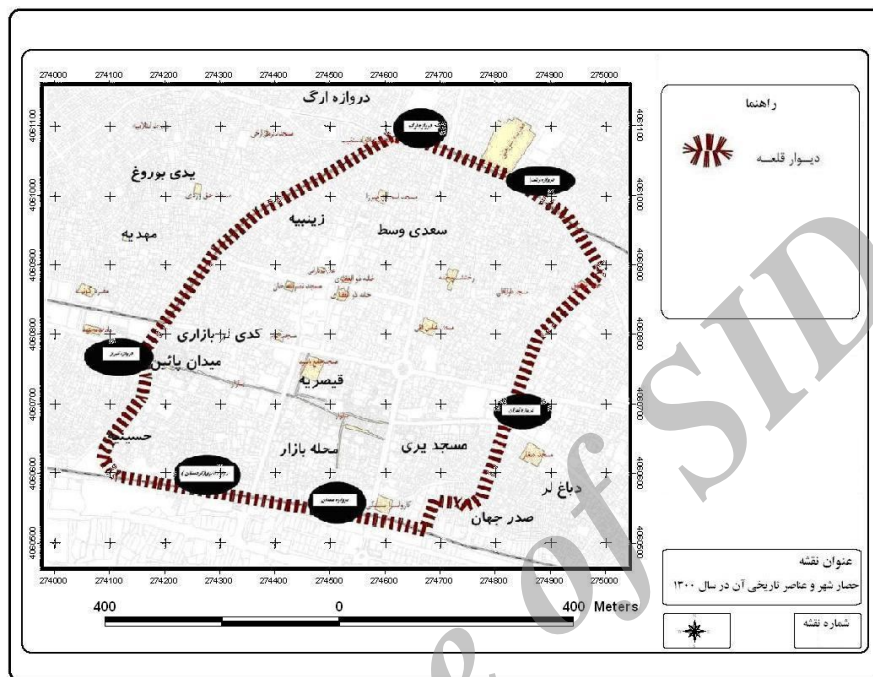
ارگ و دروازه رشت در شمال، دروازه تبریز در غرب، دروازه قزوین در شرق شهر و دروازه قلتوق و همدان در جنوب بوده است.

زنجان عصر محمدشاه را آکس سولتیکف اینگونه توصیف می کند: « زنجان شهر کوچکی است که منظره ی ناپاکی دارد، با این حال به نظر من آباد آمد (سولتیکف، ۱۳۶۵، ص ۵۹). کنت دوسرسی نیز زنجان این دوره را مرکز ایالت کوچکی دانسته که ۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد. بروز فتنه بابی در عصر ناصرالدین و درگیری هشت ماهه ی وی با قشون دولتی موجب وارد آمدن آسیب های زیادی به شهر شد. بطوری که مستشرقینی که بعد از این واقعه از شهر دیدن کرده اند؛ در مورد تاثیرات تخریبی آن بسیار سخن رانده اند. مثلاً ادوارد براون در این باره می نویسد: با اینکه مدتی از جنگ زنجان می گذرد، معهذاً هنوز آثار آن بسیار مشهود است، زیرا نه فقط تویهای جنگی، بلکه خود بایها نیز برای اغفال قوای دولتی بعضی از خانه ها را آتش می زدند (مشکینی، ۱۳۷۰، ص ۴۲)». تنها انتصاب محمود علامیر دولو ملقب به احتشام السلطنه به حکومت شهر بود که آهنگ آبادانی را در شهر نواخت. چه آنکه وی فردی نیک نفس بود که اقدامات بسیاری جهت زدودن آثار جنگ از چهره شهر انجام داد. دستور به بازسازی شهر توسط ناصرالدین شاه زمانی که وی از سفر- سوم- فرنگ بر می گشته، سرعت آبادانی در شهر را شتاب بخشید. « در این دوره به دستور احتشام السلطنه خیابانی از بازار تا دروازه قزوین (خیابان امام فعلی) امتداد داده می شود که موجب سهولت در عبور و مرور می گردد. همچنین برای توسعه و گسترش شهر اقداماتی در جهت استفاده از الگوهای موجود در شهرهای بزرگ نظیر ایجاد پلیس با لباس متحد الشکل، ایجاد داروخانه و آوردن طبیب متخصص، ساختن قنات و آب انبار شهر انجام گرفت (همان، ص ۴۴)». بار تولد و کرزن به رقم بیست هزار نفری جمعیت شهر در این دوره اشاره کرده اند (سلطانی، ۱۳۷۹، ص ۸۱).

هر چند ورود دوباره نیروهای دولتی در پی مخالفت ملاقربانعلی زنجانی با انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ ه.ق) موجب درگیری قوای طرفدار وی با نیروهای دولتی گردید، ولی تاثیر تخریبی چندانی در پی نداشت. بطوریکه گرچه تخمین دویست تا سیصد هزار نفری از جمعیت شهر توسط اوژن اوین^۱ - که در سالهای اولیه ی انقلاب مشروطه از زنجان گذر کرده بود- اغراق آمیز می نماید، ولی می تواند نشانی بر آبادانی و

(۱) اوژن اوین زنجان این دوره را چنین توصیف می نماید: شهر زنجان در حدود سی هزار خانه دارد، ولی منظره آن از بیرون شبیه دهکده هایی بود که در سر راه دیدیم ... بازار بسیار پراهمیت و تماشایی است. راسته های آن تا وسط شهر ادامه دارند... روبروی مسجد بزرگ... قصر حاکم یا دارالحکومه قرار دارد... این ایالت پر جمعیتی است و در حدود دویست تا سیصد هزار نفر جمعیت دارد (اوین، ۱۳۶۲، ص ۴۱).

امنیت شهر باشد. بطور کلی زنجان عصر قاجار شهری متوسط بوده که حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت داشته و از لحاظ کالبدی نیز با رشدی تا حد دروازه رشت و ارک فعلی - در طرف - شمال به مساحت ۱۸۵ هکتاری رسیده است.



شکل شماره ۶- نقشه حصار شهر و عناصر تاریخی شهر در سال ۱۳۰۰ (منبع: لطفی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳)

زنجان در عصر پهلوی

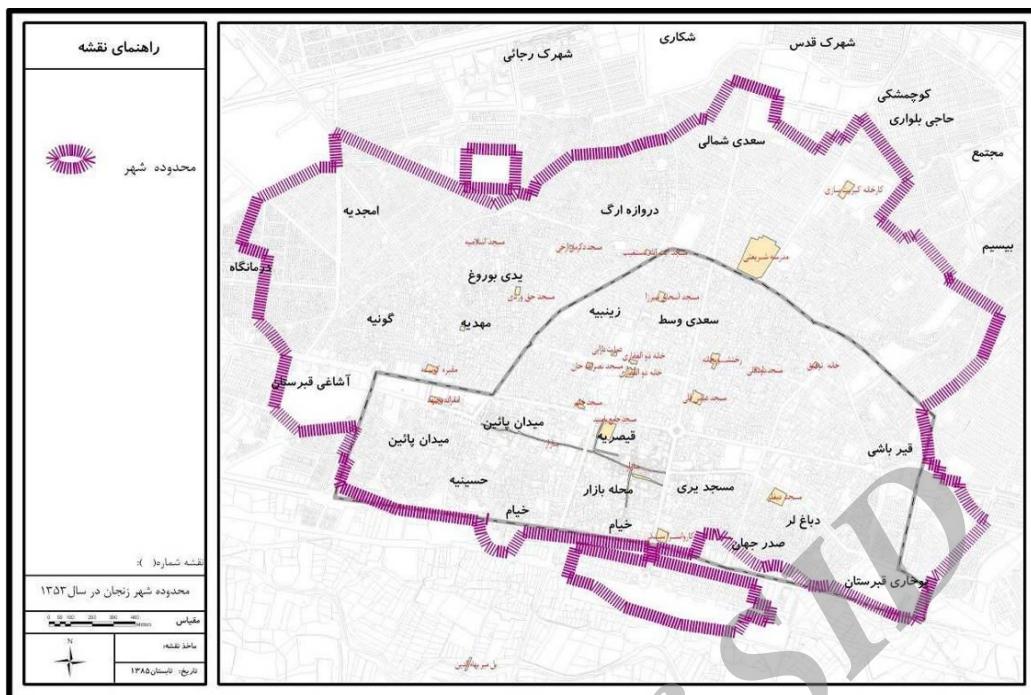
استقرار سلطنت پهلوی سر آغاز عصر جدیدی در تاریخ معاصر ایران است، زیرا شروع تحولات شهرسازی و شهرنشینی به مفهوم جدید آن تا حد زیادی مربوط به این عصر است. رضا خان در دوره ای از هرج و مرج داخلی و با اتکا به نیروی نظامی و با شعارهایی چون برقراری امنیت و حمایت از طبقات مسلط جامعه (شامل مالکان و تجار سوداگر) و تقلید از کشورهای پیشرفته بر سر کار آمد (نظریان، ۱۳۸۱، ص ۶۳). در این دوره علی رغم تحولات اجتماعی و اقتصادی که آبخور رشد عظیم جمعیت شهرنشین گردید، تحولاتی تپیک در اکثر شهرهای کشور- منجمله زنجان- انجام گرفت و مهر شهرسازی پهلوی بر پیکر شهرهای کشور زده شد تا شاید رنگ و بوی شهرهای اروپایی به خود گیرند. اقدامات انجام شده در دوره ی رضاخان حرکت بطئی شهرنشینی را آنچنان سرعت بخشید که شهرسازان عناوینی چون شهرنشینی سریع یا انفجار در جمعیت شهرنشین را لایق آن یافتند. نخستین مداخلات در بافت شهر زنجان

در دهه ی اول ۱۳۰۰ همزمان با هجوم موج نوگرایی درخیابان کشی ها آغاز شد. در این راستا جاده ی تهران- تبریز که در پی سیاست تقویت جاده های بین المللی کشور احداث شده بود، با عبور از داخل شهر^۲ و امکان دادن به تجارت خیابانی در مقابل مرکز تجارت قدیمی شهر(بازار)، موجب از رونق افتادن آن گردید. همچنین در ورودی و خروجی غربی و شرقی شهر بلوارهای زیبایی ساخته شد و کارخانه ی برق به عنوان اولین مظهر زندگی شهری، توسط امیر اشجع اصانلو در سال ۱۳۰۷ در شهر بکار افتاد. شروع دخالتهای کالبدی در شهر و سرمایه گذاری جهت احداث کارخانجات و صنایع، احداث راه و خیابان، احداث رختشوی خانه به عنوان یکی از شاهکارهای عمران شهری در سال ۱۳۰۷، پل سردار، مسجد عباسقلی خان، عمارت دارایی، همگی از تحولات مهم شهری این دوره محسوب می گردد.

در سال ۱۳۱۲ اولین طرح توسعه ی شهر زنجان به انجام رسید. در این دوره خندقهای شمال شرقی و غربی شهر پر شد و دو خیابان جاوید و استانداری (شمشیری سابق) روی آنها احداث گردید. رشد جمعیت شهرنشین (درسال ۱۳۱۷ جمعیت شهر به ۲۰۰۰۰ و در سال ۱۳۲۰ به ۳۹۴۵۰ نفر رسید) و ضرورت توسعه ی کالبدی ناشی از آن، موجب رشد شهر از طرف شرق در محله ی دباغلار و داوود قلی و از سوی شمال در محله ی شوقی تا نزدیکی کارخانه ی کبریت گردید. عامل رشد شهر در این مسیر قنات حاج میربهاء الدین و وجود باغات وسیع و تاکستانهایی چون باغ ملّا، قلعه ی میربها، باغ بخشی و محوطه ی وسیع کارخانه ی کبریت بوده است، در سمت غرب نیز وجود قنات حاج یوسف عامل عمده ی توسعه ی شهر در این سمت بوده است؛ که در نتیجه ی این توسعه محلات دگرمان آرخی، حق وردی و جعفریه بوجود آمدند؛ تا محدوده ی فیزیکی شهر بالغ بر ۴۶۵ هکتار شود. در سال ۱۳۱۹ یعنی اواخر عمر رضاشاه راه آهن تهران - زنجان تاسیس و دو سال بعد به بهره داری رسید؛ که به یکی از موانع توسعه کالبدی شهر در بخش جنوبی آن تبدیل شد. به همین دلیل توسعه شهر بیشتر در جهت شرق، شمال و غرب آن صورت گرفت. با احداث خیابانهای فردوسی و سعدی در سال ۱۳۲۰ که با جهت شمالی - جنوبی عمود بر خیابان امام کشیده شد؛ شهر زنجان نیز بسان اکثر شهرهای کشور صلیب پهلوی را به عنوان مهر و نماد شهرسازی این دوره بر کالبد خود پذیرا شد. همچنین اولین سرشماری رسمی جمعیت شهر در این سال (۱۳۲۰) صورت گرفت؛ که بر اساس آن زنجان ۳۹۴۵۰ نفر جمعیت داشت. وقوع جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴-

(۲) این خیابان به نام خیابان پهلوی نامگذاری شد.

(۱۳۱۸) زنجان را نیز بسان اکثر شهرهای کشور جولانگاه نیروهای خارجی ساخت و دیدار قزاقهای روس را برای مدت پنج سال به شهروندان تحمیل نمود. پر واضح است که چنین حضوری علاوه بر تحمیل بار اقتصادی به شهر و سلب امنیت آن، موجب وارد آمدن فشارهای روحی و روانی بسیاری به شهروندان می شد و در نتیجه به مهاجرت خیل کثیری از جمعیت شهر به روستاها دامن زد. بطوریکه « وقتی مردم شهر پس از آن آوارگی ناخواسته به شهر باز می گشتند، زنجان حال و هوایی دیگر داشت. روسها مراکز عمده ی نظامی، اجتماعی و آموزشی را به تصرف خود در آورده بودند و ادارات دولتی، ایستگاه راه آهن، دبیرستانها، پادگانها، کاروانسراها و حتی چند مهمانخانه ی محقر به قرارگاه سربازان روسی تبدیل شده بود (شاه محمدی، ۱۳۷۹، ص ۶۸)». علاوه بر این، درگیری فرقه ی دموکرات با قوای دولتی - که در نتیجه ی حضور روسها بر منطقه ی آذربایجان و زنجان مسلط شده بودند - منجر به وارد آمدن خسارات مالی و جانی بسیاری به شهر شد و با از بین رفتن امنیت شهر و تعطیلی بازار و مغازها و مهاجرت دوباره ی شهروندان به روستاها، شهر بار دیگر خالی از سکنه شد. پس از غائله ی پیشه وری، کم کم رونق و آبادانی به شهر باز می گردد. بطوریکه که در سرشماری صورت گرفته در سال ۱۳۳۵ با افزایش ۷۷۰۹ نفری جمعیت شهر نسبت به سرشماری سال ۱۳۲۰، جمعیت شهر به ۴۷۱۵۹ نفر افزایش یافت. در این دوره مهمترین منطقه ی گسترش یافته ی شهر محله راز بین آباد بود، که در قسمت جنوبی شهر از مهاجرین روستای راز بین تشکیل شده بود (قیداری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰). می توان ادعا کرد که شکل گیری و گسترش محله راز بین، ظهور گسترده و بی برنامه ی چنین محلاتی را - که اصلاحات ارضی را آبشخور تحولات بعد از خود قرار داده بود - نوید می داد. افزایش شکاف طبقاتی و شکل گیری سیمای دوگانه ی شهری که از اثرات و پیامدهای اصلاحات ارضی بود، در زنجان نیز همچون سایر شهرهای کشور شکل گرفته و توسعه یافت. از جمله محلات شکل گرفته در این دوره می توان از محلات فقیرنشین جاده همایون، صفراآباد، گونیه و راز بین نام برد، که غالب ساکنین آنها را مهاجرین روستایی تشکیل می داد. شاید کاهش ۲/۷ درصدی متولدین خود شهر - در سرشماری ۱۳۴۵ - نسبت به سرشماری دوره ی قبل (۱۳۳۵) گواهی بر اثبات این مدعا باشد که عامل اصلی رشد جمعیت شهرنشین (شهر زنجان) مهاجرت روستاییان بوده است. بعلاوه تصویب اولین طرح جامع شهر در سال ۱۳۵۳ موجب شکل گیری، محلات مرفه نشین اعتمادیه، دروازه رشت و کوچه مشکی در مقابل محلات فقیرنشین شد تا با تحکیم سیمای دوگانه شهری، ویتترین تمام عیار شهر جهان سومی گردد.



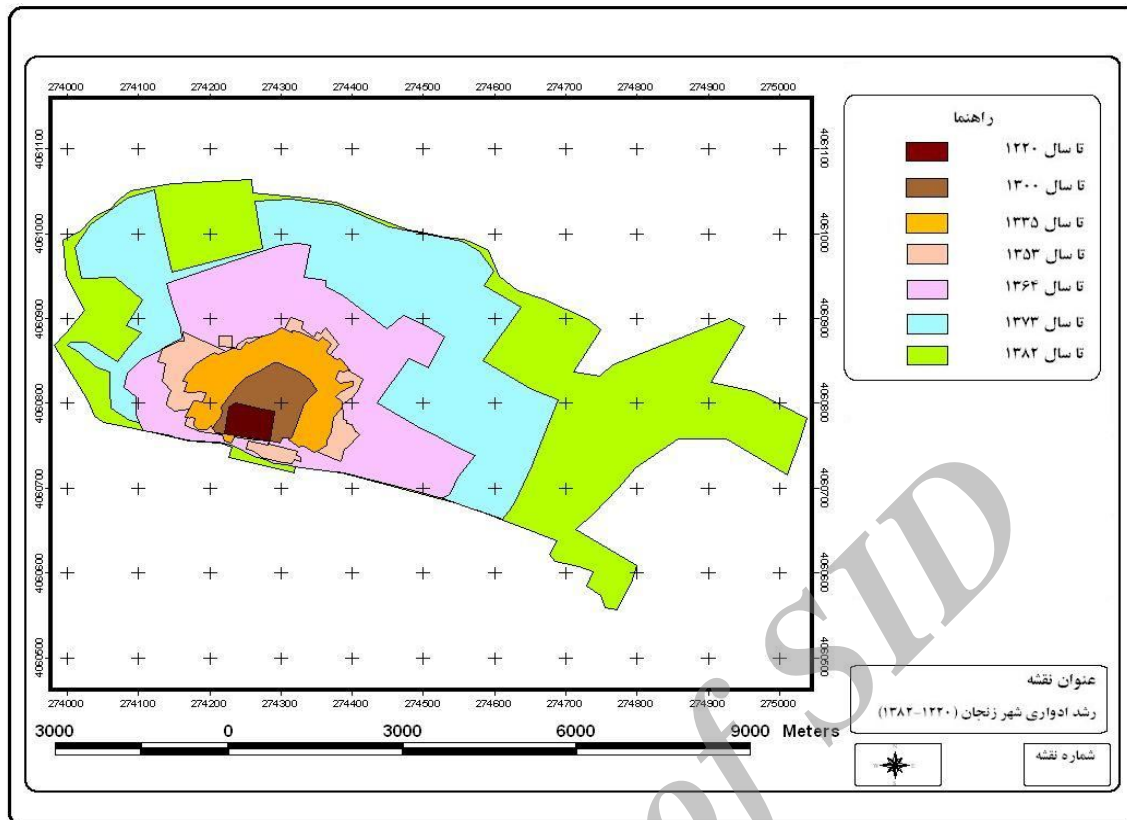
شکل شماره ۷- نقشه محدوده و محلات شهر زنجان در سال ۱۳۵۳ (منبع: حبیبی، پوراحمد و مشکینی، ۱۳۸۷، ص ۴۳)

زنجان از طلوع انقلاب تا امروز

شاید بتوان وقوع انقلاب اسلامی را شاهد مثالی بر اثبات نظریه داهرنندروف^۱ دانست. زیرا وی وقوع انقلاب را نتیجه افزایش شکاف طبقاتی اقشار و گروههای جامعه و احساس بی عدالتی و محرومیت نسبی آنها می داند (کامروا، ۱۳۸۴، ص ۹۶) و از آنجا که انقلاب اسلامی نیز یک انقلاب شهری و خیزش محلات جنوب شهر بر علیه نابرابریها بود، بازتاب فضایی خود را نیز در شهرها ظاهر ساخت. دگرگونیهای اقتصادی و اجتماعی که بعد از هر انقلابی رخ می دهد، در ایران نیز مجموعه عوامل را به نفع شهرها سوق داد (نظریان، ۱۳۸۱، ص ۸۷) و آنها را به محفل تغییرات و تحولات تبدیل نمود. بازتاب فضایی انقلاب اسلامی خیلی سریعتر از آنچه باید نمایان گردید. بطوریکه حجم وسیعی از تغییرات کالبدی و جمعیتی شهر زنجان نیز در این دوره رخنمون شده است. زیرا رشد فیزیکی و جمعیتی شهر در این دوره مقهور عوامل نیرومند تاثیر گذار قبل و بعد از انقلاب بوده است. اوج گیری تبعات سیاست اجرای اصلاحات ارضی، بوجود آمدن شرایط انقلابی در جامعه، تاثیرات ایدئولوژیکی انقلاب- چون واگذاری زمین شهری به مستضعفان توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی- ضعف های طرح جامع و ضعف شدید شهرداری در سالهای ابتدایی منتهی به انقلاب و وقوع جنگ تحمیلی در سالهای بعد موجب نواخت

¹⁾ Daherendorf

آهنگ رشد نامنظم و پر هرج و مرجی در شهر زنجان گردید. بطوریکه رشد کالبدی شهر با رشد ۳ برابری به ۱۵۵۰ هکتار - تا سال ۱۳۶۴- رسید. به لحاظ جمعیتی نیز جهش ۱۰۰۳۵۱ نفری جمعیت شهر در سرشماری سال ۱۳۶۵ نسبت به سرشماری دوره ی قبل (۱۳۵۵)، جمعیت شهر را به ۲۱۵۲۶۱ نفر رساند و با نرخ رشد ۷/۹۴ درصدی بالاترین نرخ رشد تاریخی خود را به ثبت رساند که عواملی چون افزایش باروری، عدم توجه به سیاستهای تنظیم خانواده از سوی مسئولین، توصیه به باروری در طول جنگ تحمیلی، کاهش مرگ و میر و مخصوصا سیل مهاجرت روستاییان به شهرها در آن دخیل بوده است از تبعات و تداوم چنین رشد جمعیتی، زایش بخشهای جدید مسکونی چون نجف آباد (بیسیم)، مهدیه، صفراآباد، ترانس و ... با ویژگیهایی چون استفاده از مصالح سنتی و آسیب پذیر در برابر مخاطرات طبیعی، تبعیت از شیب طبیعی زمین، بافت ریز دانه، ناهماهنگ و آشفته در محدوده های خارجی شهر بود. در این راستا جهت ساماندهی و توسعه ی موزون شهر طرح جامع (۱۳۶۵) و تفصیلی (۱۳۶۸) شهر - توسط مهندسین مشاور شامند- تهیه گردید. البته «محاسبات اشتباه شامند در بخش جمعیتی و توجه تام به نرخ رشد جمعیتی دهه ی ۵۵-۶۵ به مقدار ۷/۹ درصد رشد سالیانه باعث شد، با پیش بینی ۴۲۰ هزار نفر جمعیت در افق طرح در سال ۱۳۷۸ مساحت این شهر از ۱۲۷۰ هکتار به ۴۲۸۰ هکتار افزایش یابد»^{۴۳}. در حالی که در سال ۱۳۸۵ (هفت سال بعد از افق طرح) شهر ۳۴۹۷۱۳ نفر جمعیت داشت، یعنی اختلافی نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر با جمعیت پیش بینی شده در افق طرح. در این مرحله با اضافه شدن بخشهای جدیدی چون منطقه ی جنوب شرقی (شهرک دکتر بهشتی)، اراضی پلاک ثبتی ۵۲۱۵-۵۲۱۴ (موسوم به اراضی نجفی)، منطقه ی سرچنگلداری، شهرک شهدا، توسعه و گسترش منطقه ی صفراآباد (کوی سعدیه)، پلاک ۵۳۰۰ جدید (امجدیه)، شهرک قدس، پلاک ۵۲۱۶ (وحیدیه)، اراضی علی قنبری (پلاک ۴۲۵۵/۲)، توسعه ی کوی اعتمادیه، شهرک شهید رجایی، کوی فرهنگ (علی آباد)، توسعه ی شهرک کارمندان، کوی قائم، اراضی پایین کوه، شهرک ولیعصر، شهرک آزادگان، کوی فجر، کوی نصر، شهرک الهیه، زیبا شهر، شهرک امیرکبیر، شهرک بهارستان و شهرک لاله به کالبد شهر مساحت آن به ۴۸۳۴/۷ هکتار افزایش یافت.



شکل شماره ۸- نقشه رشد ادواری شهر زنجان (۱۳۲۰-۱۳۸۲) (منبع: لطفی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹)

جدول شماره ۱- حجم و رشد جمعیت شهر زنجان طی سرشماری های رسمی کشوری

سال	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵
شاخص	۳۴۹۷۱۳	۲۸۶۲۹۵	۲۵۴۰۸۲	۲۱۵۴۵۸	۱۰۰۳۵۱	۵۸۷۱۴	۴۷۴۵۹
رشد جمعیت	۲/۱۴	۲/۴۲	۳/۳۵	۷/۹۴	۵/۵۱	۲/۲۲	
نسبت جمعیت شهر زنجان به استان	۵۷	۳۱/۷۵	۲۹/۶۲	۲۷/۳۶	۱۷/۱۶	۱۲/۵۶	۱۲/۲۱

منبع: تفکری دوبخشی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳.

نتیجه گیری

ضرورت ساخت شهرهای انسان محور که موضوع طرحها و برنامه های شهرسازانه دهه ها و حتی سده های اخیر را تشکیل می دهد، امکان دستیابی و تحقق نمی یابد، مگر با عطف به ملاحظاتی تاریخی. چرا که توجه به انسان بدون توجه به گذشته تاریخی او ناقص و بی معنی خواهد بود، زیرا این انسان است که با زندگی در مسیر زمان تاریخ را شکل داده و هویت بخشیده است. حال انقطاع تاریخی او با گذشته اش به معنی بی هویت ساختن او خواهد بود، چیزی که طرحهای شهرسازانه سالهای اخیر خواسته یا ناخواسته در پی انجامش بوده اند. غافل از اینکه شهر انسان محور و یوتوپیای انسانی ریشه در گذشته تاریخی دارد. نظریه سیر تکامل شهری پاتریک گدس و لوئیز مامفورد - که بیانگر سیر تکامل تاریخی شهرها می باشد - به خوبی با سیر تکامل تاریخی شهر زنجان انطباق دارد، بطوریکه امروزه شهر زنجان با گامهای سریع در حال عبور از مرحله مادر شهری^۱ به کلانشهری^۲ است و برای آنکه به مراحل تباه شهری و مرده شهری نرسد، لازم است که طرحهای شهری به روند سیر تاریخی شهر توجه داشته و مطالعات خود را با انقطاع تاریخی انجام ندهند.

^۱) metropolis

^۲) megalopolis

منابع

- ۱- اوبن، اوژن، ۱۳۶۲، ایران امروز، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات زوار.
- ۲- تفکری دویخشری، اکرم، ۱۳۸۶، تجزیه و تحلیل و پیش بینی نیاز مسکن شهری در ایران: نمونه موردی شهر زنجان، دانشگاه زنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری.
- ۳- ثبوتی، هوشنگ (الف)، ۱۳۷۷، تاریخ زنجان، زنجان، انتشارات زنگان.
- ۴- ثبوتی، هوشنگ (ب)، ۱۳۷۷، بناهای آرامگاهی استان زنجان، زنجان، انتشارات زنگان.
- ۵- حبیبی، سید محسن، ۱۳۸۰، از شار تا شهر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- حیدری، محمدجواد، ۱۳۸۸، ارزیابی راهبردهای نوسازی و بهسازی بافت های کهن شهری (مطالعه ی موردی: بخش مرکزی شهر زنجان)، دانشگاه تبریز، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری.
- ۷- خالقی مقدم، محمد، ۱۳۸۰، استان زنجان سرزمین اقوام افشار، زنجان، نشر فرهنگ.
- ۸- خالقی مقدم، محمد، ۱۳۷۹، شهر زنجان در دوره خوارزمشاهیان، فرقه اسماعیلیه و چنگیز خان، زنجان، فرهنگ زنجان.
- ۹- ۱۰- سلطانی، رامین، ۱۳۷۹، تاریخ زنجان، زنجان، انتشارات نیکان کتاب.
- ۱۰- ۱۱- سلطانی، رامین و فاتح، پریسا، ۱۳۷۹، زنجان به روایت مینورسکی، زنجان، فرهنگ زنجان.
- ۱۱- ۱۲- سولتیکف، الکس، مسافرت به ایران، (۱۳۶۶)، ترجمه محسن صبا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۲- شاه محمدی، ذبیح اله، ۱۳۷۹، تاریخ معاصر ایران (زنجان در جنگ بین المللی دوم)، زنجان، فرهنگ زنجان.
- ۱۳- شاه محمدی، ذبیح اله، ۱۳۷۹، وقایع و اوضاع سیاسی و اجتماعی زنجان در یک سال تسلط دموکراتها، فرهنگ زنجان.
- ۱۴- شکویی، حسین، ۱۳۸۰، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۵- علیزاده، محمد، ۱۳۸۳، تبیین سیاستهای عرضه زمین شهری و نقش آن در توسعه فیزیکی شهرهای ایران: نمونه موردی شهر زنجان، دانشگاه زنجان، پایاننامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری.
- ۱۶- قشمی، علی، ۱۳۸۲، تاریخ مطبوعات زنجان، زنجان، انتشارات نیکان کتاب.
- ۱۷- قیداری، فتنه، ۱۳۸۶، نقش سکونتگاههای غیر رسمی در گسترش فیزیکی شهر زنجان، دانشگاه زنجان، پایاننامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری .
- ۱۸- کامروا، سید محمد علی، ۱۳۸۴، مقدمه ای بر شهرسازی معاصر ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- کلاویخو، روی کنزاله، سفرنامه، ۱۳۶۶، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۰- لطفی، فاطمه، ۱۳۸۷، تحولات ساختاری و کارکردی بازار در عصر حاضر، نمونه موردی: بازار زنجان بین سالهای ۱۳۳۶-۱۳۸۶، دانشگاه زنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری.
- ۲۱- مجید زاده، یوسف، ۱۳۶۸، آغاز شهرنشینی در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۲- مستوفی، حمداله، ۱۳۶۶، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابخانه طهوری.
- ۲۳- مشکینی، ابوالفضل، ۱۳۷۰، سیر تکوینی شهر و شهرنشینی در زنجان، دانشگاه شهید بهشتی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری.
- ۲۴- مکملی، محمد کاظم، ۱۳۷۰، زنجان و رشد ادواری آن، زنجان، فرهنگ زنجان.
- ۲۵- نظریان، اصغر، ۱۳۸۱، جغرافیای شهری ایران، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.